

ایران و آمریکا

سفیر پیشین آمریکا: «راستی‌آزمایی» شرط اصلی هر توافق پایدار با ایران است

الکس رئوف اوغلو

کمتر از یک دقیقه پیش



Reuters

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، از نزدیک بودن توافق با ایران خبر داده، اما هنوز پرسش‌های مهمی از جمله درباره برنامه هسته‌ای تهران، امنیت منطقه و پایداری هر توافق احتمالی بی‌پاسخ مانده است.

راديو اروپای آزاد/راديو آزادی با لیزا گیبیل، سفیر پیشین آمریکا در دولت جورج دبلیو بوش و رئیس سازمان «جهان در ۲۰۵۰»، درباره چشم‌انداز دیپلماسی، چالش‌های راستی‌آزمایی و پیامدهای ژئوپلیتیکی تحولات منطقه گفت‌وگو کرده است؛ منطقه‌ای که از جنوب لبنان تا تنگه هرمز همچنان با تنش روبه‌رو است.

راديو اروپای آزاد/راديو آزادی: کاخ سفید همچنان نسبت به دستیابی به توافق با ایران ابراز خوش‌بینی می‌کند. با این حال مقام‌های جمهوری اسلامی می‌گویند هنوز موانع مهمی بر سر راه توافق وجود دارد. به نظر شما، آیا واقعاً به یک توافق پایدار نزدیک‌تر شده‌ایم یا واشینگتن و تهران همچنان اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند؟

لیزا گیبل: فکر نمی‌کنم در این مقطع کسی بتواند پیش‌بینی دقیقی ارائه دهد. شرایط همچنان به سرعت در حال تغییر است و ما دربارهٔ ایران صحبت می‌کنیم؛ حکومتی که در گذشته نشان نداده که می‌تواند شریک قابل اعتمادی برای مذاکره و دستیابی به توافق باشد.

با این حال، می‌دانم که رئیس‌جمهور آمریکا همچنان خواهان دستیابی به یک توافق است. اما نگرانی اصلی ما برنامهٔ هسته‌ای ایران و ذخایر اورانیوم این کشور است. افزون بر این، آمریکا جمهوری اسلامی را به حمایت از گروه‌های تروریستی در نقاط مختلف جهان متهم می‌کند.

با توجه به اهمیت تنگهٔ هرمز، موضوع بسیار پیچیده است. اما می‌دانم که هر دو طرف در تلاش‌اند به نقطه‌ای برسند که نیازهای ایالات متحده تأمین شود.

یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها این است که آیا دیپلماسی می‌تواند در شرایط تنش‌های جاری و احتمال نقض آتش‌بس‌ها ادامه پیدا کند یا نه. مذاکرات کنونی تا چه اندازه در برابر تحولات میدانی آسیب‌پذیر است، به‌ویژه زمانی که یک حادثهٔ نظامی می‌تواند به سرعت فضای سیاسی را تغییر دهد؟

چنین اتفاقی ممکن است رخ دهد، اما تاکنون شاهد آن نبوده‌ایم. یکی از تفاوت‌های مهم وضعیت کنونی با گذشته در برخورد با خاورمیانه و ایران این است که به‌واسطهٔ اقدامات دولت نخست دونالد ترامپ و «توافق‌های ابراهیم»، شاهد شکل بسیار قوی‌تری از ارتباط، تعامل و گفت‌وگو با متحدان منطقه‌ای هستیم.

اگر به تاریخ این منطقه نگاه کنیم، ایالات متحده هرگز روابطی به این اندازه قوی با کشورهایی مانند قطر، امارات متحده عربی، عمان و عربستان سعودی نداشته است. حضور این کشورها در توافق‌های ابراهیم و گسترش این روابط، معادلات امروز منطقه را تغییر داده است.

مقامات جمهوری اسلامی آشکارا از پیام‌های متناقض واشینگتن به‌عنوان یکی از چالش‌های مذاکرات یاد کرده‌اند. در این مرحله، هماهنگی پیام‌ها تا چه اندازه اهمیت دارد و آیا دیپلماسی می‌تواند در شرایطی موفق شود که دو طرف به نیت‌های یکدیگر تردید دارند؟

بازیگران باتجربه‌تر می‌دانند که مذاکرات در سطوح مختلفی جریان دارد. افراد گوناگونی در دولت‌های مختلف و در بخش‌های متفاوت منطقه در حال مذاکره هستند. گفت‌وگوهای نظامی در جریان است. گفت‌وگوهای عمومی نیز وجود دارد که بر افکار عمومی تأثیر می‌گذارد، اما همیشه بازتاب‌دهندهٔ تمام آنچه در پشت صحنه می‌گذرد نیست.

در این مقطع تمایلی به پیش‌بینی ندارم و حتی تردید دارم که کسی بتواند چنین کاری انجام دهد، زیرا مذاکرات و گفت‌وگوها در سطوح مختلفی در حال انجام است.

ظاهراً یکی از اصلی‌ترین نقاط اختلاف این است که آیا می‌توان برنامهٔ هسته‌ای ایران را به شکلی محدود کرد که رضایت جامعهٔ جهانی را جلب کند و در عین حال تهران بتواند ادعا کند حقوق حاکمیتی خود را حفظ کرده است؟ به نظر شما، یک راه‌حل میانه و واقع‌بینانه چه می‌تواند باشد؟

باز هم نمی‌توانم دربارهٔ آن پیش‌بینی کنم. می‌دانم که رئیس‌جمهور آمریکا گفته است که می‌خواهد ایالات متحده به ذخایر اورانیوم ایران دسترسی داشته باشد و آن را تحت کنترل خود بگیرد. او همچنین خواهان نظارت مستقیم بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران و آگاهی کامل از آن چیزی است که در این برنامه در حال انجام است؛ اما هنوز به آن مرحله نرسیده‌ایم.

اشتباهی که ایالات متحده در گذشته مرتکب شد، این بود که در دوران دولت اوباما به حکومت ایران امتیازاتی داد، اما ایران همچنان توانمندی‌های هسته‌ای خود را توسعه داد. این همان نگرانی است که نه‌تنها اسرائیل و آمریکا، بلکه همسایگان ایران در منطقه نیز دارند.

هیچ‌کس خواهان ایرانی دارای توانایی ساخت سلاح هسته‌ای نیست. امیدوارم رئیس‌جمهور آمریکا بتواند به سطحی از دسترسی و نظارت دست یابد که دقیقاً مشخص شود برنامه هسته‌ای ایران در چه مرحله‌ای قرار دارد.

بیشتر در این باره:

«شاید درگیری با ایران پایان یافته باشد، اما خطر همچنان پابرجاست»



مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، اخیراً گفته است که ایران اکنون درباره موضوعاتی گفت‌وگو می‌کند که پیش‌تر حاضر به مذاکره درباره آن‌ها نبود. آیا این را نشانه‌ای از پیشرفت در مذاکرات می‌دانید یا هنوز برای نتیجه‌گیری درباره احتمال یک گشایش جدی زود است؟

فکر می‌کنم هنوز برای نتیجه‌گیری زود است. در روند مذاکرات شاهد پیشرفت‌هایی بوده‌ایم و در عین حال عقب‌گردهایی هم دیده‌ایم. اما برای وزیر خارجه روبیو احترام زیادی قائلم. همان‌طور که پیش‌تر گفتم، گفت‌وگوها در سطوح مختلفی در جریان است.

نکته دیگری که هنوز درک کاملی از آن نداریم این است که واقعاً چه کسی در ایران تصمیم‌گیر نهایی است. در ساختار قدرت ایران تغییرات زیادی رخ داده و بعید نیست برخی بازیگران در این کشور یک نوع گفت‌وگو را پیش ببرند و دیگران مسیر متفاوتی را دنبال کنند.

در این مرحله به سخنان وزیر خارجه روبیو توجه می‌کنم و آن را مبنای ارزیابی قرار می‌دهم.

اگر آمریکا همچنان بر کاهش تحریم‌ها و گشایش راه ایران به تجارت بین‌المللی تأکید داشته باشد و ایران نیز بر بهبود وضعیت اقتصادی متمرکز بماند، در حال حاضر کدام طرف دست بالاتر را در مذاکرات دارد؟

به نظر من، پاسخ این سوال به میزان انسجام کشورهای متحد آمریکا بستگی دارد که در این روند مشارکت دارند. ابعاد تجاری این موضوع تحت تأثیر وضعیت تنگه هرمز است، اما هرگونه اختلال در آن بر کشورهای زیادی اثر می‌گذارد. این مسئله فقط آمریکا را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، بلکه چین و روسیه را نیز درگیر می‌کند.

این موضوع تا حدی به سود ماست، اما در عین حال تداوم فعالیت‌های پایه اقتصادی، به‌ویژه تردد کشتی‌ها، اولویت اصلی همه خواهد بود.

اگر توافقی حاصل شود، چه مدت زمان لازم است تا آثار آن بر بازارهای انرژی، کشتیرانی در تنگه هرمز و ثبات اقتصادی گسترده‌تر دیده شود؟

به گمانم بازارهای جهانی واکنش مثبتی نشان خواهند داد و این موضوع به سود بازارهای سهام خواهد بود.

اما واقعیت‌های مربوط به زنجیره تأمین نیز مطرح است؛ این‌که چه کالاهایی متوقف شده‌اند و چه محموله‌هایی با تأخیر به مقصد می‌رسند. ما و کشورهای متحد با ما برای بازگشت زنجیره‌های تأمین و همچنین عملکرد عادی بازارهای انرژی به این موضوع وابسته هستیم.

کنگره درباره نظارت بر هرگونه توافق، به‌ویژه پس از رأی‌گیری‌های اخیر در مجلس نمایندگان، پرسش‌هایی مطرح کرده است. اگر قرار باشد توافقی فراتر از چرخه سیاسی کنونی دوام بیاورد، حمایت دوحزبی تا چه

اندازه اهمیت دارد؟

ما در آستانه انتخاباتی بسیار رقابتی در ماه نوامبر قرار داریم. هر اندازه بتوانیم سطحی از حمایت دوحزبی را جلب کنیم، موقعیت ما قوی‌تر خواهد بود. رأی‌گیری اخیر با حمایت گسترده جمهوری خواهان همراه نبود، اما شاهد بودیم که برخی جمهوری خواهان به موضع دموکرات‌ها نزدیک شدند؛ این خود یک نشانه است.

پرسش این است که در پشت صحنه چه گفت‌وگوهایی در جریان است. همه در پی راه‌حلی هستند که هم به افزایش امنیت و ثبات بینجامد و هم نگرانی‌های اقتصادی و بازارها را کاهش دهد.

اگر از واشینگتن و تهران فراتر برویم، کدام بازیگران خارجی، از کشورهای حوزه خلیج فارس گرفته تا متحدان اروپایی و میانجی‌های منطقه‌ای، در تبدیل یک توافق موقت به صلح پایدار نقش تعیین‌کننده‌تری دارند؟

به نظر من کشورهای حوزه خلیج فارس. همان‌طور که گفتم، دولت ترامپ در دوره نخست خود در ایجاد روابط نزدیک‌تر با کشورهای این منطقه نقش مهمی داشت.

متحدان اروپایی نیز تا حدی نقش دارند، اما به‌جز کشورهای بالکان، لهستان و چند کشور دیگر، بسیاری از آن‌ها تلاش کرده‌اند فاصله خود را حفظ کنند. این موضوع تأسفبار است، زیرا ما عملاً از دسترسی آن‌ها به انرژی و حقوق مرتبط با آن حفاظت می‌کنیم و آن‌ها به این موضوع وابستگی زیادی دارند.

امیدوارم متحدان اروپایی از ابتکارهای آمریکا حمایت بیشتری کنند، اما تاکنون چنین نبوده است.

اگر توافقی حاصل شود، در سه تا شش ماه نخست به چه شاخص‌هایی نگاه می‌کنید تا مشخص شود توافق موفق بوده یا صرفاً بحران دیگری را به تعویق انداخته است؟

موضوع همواره به برنامه هسته‌ای و همچنین رفتار حکومت ایران بازمی‌گردد. ایران از حزب‌الله حمایت کرده است. از حملات ۷ اکتبر حمایت کرده است. همچنین به‌طور فعال در ایجاد مشکلات برای آمریکا و متحدانش در سراسر جهان نقش دارد؛ بنابراین، پرسش این است که چه رفتارهایی از ایران مشاهده می‌کنیم. در مرحله بعد، آیا می‌توانیم به فعالیت‌های هسته‌ای تهران دسترسی و نظارت مستقیم داشته باشیم یا نه. این‌ها مهم‌ترین مسائل هستند؛ موضوعاتی که امنیت بلندمدت ما را، چه از منظر اقتصادی و چه از منظر امنیت داخلی و فعالیت‌های جهانی، تحت تأثیر قرار می‌دهند.

در مقابل، چه نشانه‌ای می‌تواند حاکی از آن باشد که روند دیپلماتیک کنونی در حال شکست خوردن است، حتی اگر مقام‌ها همچنان در ملاً عام ابراز خوش‌بینی کنند؟

هر نوع حمله علیه غیرنظامیان؛ چه حملات تروریستی و چه اقدام‌های آشکار علیه مناطق غیرنظامی. این همان موضوعی است که اکنون زیر نظر داریم.

آیا هدف نهایی باید توافقی محدود و صرفاً متمرکز بر مسئله هسته‌ای باشد یا چارچوبی گسترده‌تر که امنیت منطقه‌ای، گروه‌های نیابتی و عادی‌سازی اقتصادی را نیز در بر بگیرد؟ کدام رویکرد شانس بیشتری برای ایجاد ثبات پایدار دارد؟

این یک روند چندمرحله‌ای است و باز هم به صداقت و امکان اعتماد بستگی دارد. من به جمله معروف رونالد ریگان بازمی‌گردم: «اعتماد کن، اما با راستی‌آزمایی.»

آیا می‌توانیم آنچه را در حوزه هسته‌ای رخ می‌دهد راستی‌آزمایی کنیم؟ و در عین حال، آیا می‌توانیم اقدامات ایران در قبال ایالات متحده و متحدانی مانند اسرائیل را زیر نظر داشته باشیم؟

اسرائیل در سال‌های اخیر با برخی از بزرگ‌ترین چالش‌های ناشی از گروه‌های نیابتی مورد حمایت ایران روبه‌رو بوده است و به همین دلیل این موضوع را با دقت بسیار زیادی دنبال خواهیم کرد.

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

ایران و آمریکا

بایگانی

ایران

© ۲۰۲۶ تمام حقوق این وبسایت، بر اساس مقررات کپی‌رایت، برای رادیو فردا محفوظ است.